

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای عبدالکریم بهجت پور

مدیر محترم مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

موضوع: دستاوردهای انقلاب اسلامی

زمان: ۱۳۹۷/۹/۱۸

سؤال اول: دستاوردهای چهار سالگی انقلاب اسلامی چیست؟

ابتدا تشکر می‌کنم از لطفی که معاونت فرهنگی مرکز مدیریت حوزه خواهران و همکارانمان در روابط عمومی داشته‌اند مبنی بر اینکه به مناسبت چهار سالگی انقلاب قدری از مسائل پیرامون انقلاب را از نگاه تعدادی از افراد و اشخاصی که شاید نقش تأثیر گذاری، در فعلاً در حوزه علمیه دارند بررسی کنند. امیدوارم که خدای متعال این چهار سال را که موجب شد انقلاب به یک استحکامی برسد و تجربه بیاموزد و خطرهای بزرگ را از سر خودش رفع بکند و در نقطه‌ای بنشیند که نقطه‌ای که استقرار و قابل توجه هست برای ما همواره با برکت و توفیقات روز افزون قرار بدهد و انقلاب عزیزمان را به انقلاب جهانی حضرت بقیه الله الاعظم وصل کند.

سؤال اولی که فرمودید در رابطه با دستاوردهای چهار سالگی انقلاب اسلامی است خب من اگر بخواهم بر اساس نگاه تاریخی این موضوع را در باره‌اش قدری توضیح بدهم. شاید اصلی‌ترین و مهم‌ترین کاری که انقلاب کرد در آغاز این که نظام ستم شاهی را کنار زد. نظامی که تمام نگرانش خارج از مرزها بود و رضایت آمریکا و قدرت‌های بزرگ، در زمین استکبار جهانی بازی می‌کرد و خودش را با اون هماهنگ می‌کرد و مردمش را در خدمت اون‌ها می‌خواست به دلیل اینکه خاص اون دولت‌ها با خاص مردم ما هماهنگ نبود در نتیجه، ستم بر مردم روا می‌داشت و زبان‌های آزاد طلب را و تلاش گر برای استقلال ملی رامی برید، زندانی می‌کرد، شکنجه می‌کرد جانشان را می‌گرفت. فرصت‌های اجتماعی را ازشان می‌گرفت خب بزرگترین خدمت، به نظر من انقلاب در آغاز

این بود که توانست این جریان را زمین بزند. در قاب دوم کاری که انقلاب اسلامی کرد این بود که نقش مردم را در کنار نقش دین بالا برد؛ نظام ستم شاهی را به هم زد و به جای اون حکومت اسلامی نیاورد بلکه حکومت جمهوری اسلامی را به مردم هدیه کرد مدلی از حکومت که بر پایه اسلام در زیر سایه اسلام و با تشکیک مساعی مردم شکل گرفت و این به نظر من کار بزرگی بود که انقلاب اسلامی شروع کرد و البته در طول این چهل سال ما تجربه‌های گوناگونی و فراز و فرودهای گوناگونی در بحث نسبت به اسلامیت و جمهوریت داشتیم که به فضل پروردگار و علیرغم سوءاستفاده‌ی بی‌گناه از به هم ریختگی تنظیم بین اسلامیت و جمهوریت پیش می‌آمد به مدد دل‌های آماده مردم به مدد تیزبینی و دور اندیشی‌های رهبران انقلاب، توانسته‌ایم تا الآن به یک مدل متعادل بین اسلام و جمهوریت و تنظیم شده رفتار اسلامی در نظام مردم سالاری برسیم و این به نظر من باز دستاورد بزرگی است چون اگر حکومت اسلامی شکل بگیرد و نگران مردم نباشیم نتیجه‌اش این خواهد بود که گاه تصمیماتی گرفته شود که این تصمیمات غبطه مردم را میزان تحمل و توان مردم را در خودش جا نداده باشد و در نهایت گاه به خاطر مردم تصمیماتی می‌گیریم که از زیر چتر اسلام و زیر چتر مذهب فاصله بگیریم خب این مدل به نظر من مدلی است که هنوز هم ما تا استقرار تام و کاملش هنوز فاصله داریم اما اصل هدیه یک نظام جمهوری اسلامی و تمرین این در این چهل به نظر من یک دستاورد بسیار بزرگ بوده است شاید در ذیل این مسأله بتوانیم به چند دستاورد مهم دیگر هم اشاره کنیم.

استقلال از جریان‌های قدرت در بیرون و خارج کردن ایران از بازی توزیع کشورهای کوچک یا کوچکتر از ابر قدرت‌ها در زیر سلطه یکی از قدرت‌های جهانی یا وابستگی به بلوک شرق و یا بلوک غرب، ما در جریان استقلال کارمان متوقف نماند استقلال را آنقدر ادامه داده‌ایم که الآن خود به عنوان نماد مقاومت در جهان تبدیل شده‌ایم و کشورهایی که تمایل به استقامت دارند کشورهایی که تمایل به مقاومت دارند یگانه قطب تأثیرگذار و حامی و پشتیبان از استقلالشان را بحمد الله ایران اسلامی می‌دانند ما در این نقش یعنی نقش استقلالی توانسته‌ایم کشور را به یک باور نزدیک کنیم به عنوان یک فرهنگ مسأله استقلال الآن مطرح است به گونه‌ای که در مقام انتقاد از هم‌دیگر وقتی دولت‌ها وقتی دستگاه‌ها حالا دستگاه‌های قضایی یا دستگاه‌های قانونگذار می‌خواهند مورد انتقاد قرار بگیرند مهم‌ترین عامل تضعیف این افراد این است که اینها به استقلال کشور لطمه وارد کردند اینها نگرانشون به خارج از مرزها مثلاً بیشتر از نگرانی‌شان نسبت به داخل و جریان داخلی مردم است به نظر بنده این فرهنگی که در طول این

سال‌ها ساخته شد یکی از دستاوردهای عظیمی است که آلان باید بهش بالید ایرانی احساس می‌کند خودش می‌تواند کاری را انجام بدهد. فعالیت‌های فاخر و بزرگ انجام بدهد خودش را باور کرده است و تحقیر خودش را در این می‌بیند که وابسته به یکی از بلوک قدرت در دنیا بشود همین استقلال طلبی وقتی رشد کرد ایجاد این احساس که ما می‌توانیم را در ما زنده کرد و باز به نظر بنده ملیت ایران مردم ایران از هر نژادی از هر مذهبی از هر فرقه‌ای از هر دینی که در اینجا زندگی می‌کنند، این احساس که ما می‌توانیم در قله‌های رفیع دانش در قله‌های فناوری جایگاه باعثه را پیدا بکنیم و ضریب هوشی ایرانی‌ها آنچنان هست که هر آنچه را که لازم هست خود بسازند. این احساس به نظر من یکی از دستاوردهای بسیار بسیار خوبی است که در این چهل سال بدست آوردیم اینکه ما قدرت مقاومت ملی مون را در برابر جریان‌های مخالف معاند بالا بردیم در طول این چهل سال کاملاً نشان دادیم که می‌توانیم در برابر همه توطئه‌ها بایستیم همه مخالفت‌ها را که تبدیل به دشمنی می‌شد تبدیل به کینه ورزی می‌شد تبدیل به توطئه‌های داخلی می‌شد همه این‌ها را توانستیم از سر بگذرانیم و آلان به عنوان یک کشور آب دیده در برابر جریان‌های معاند در برابر جریان‌های دشمن در برابر فشارهای بیرونی و توطئه‌های درونی تبدیل شدیم این که به خوبی می‌توانیم این توطئه‌ها را کنترل کنیم و مردم ما ضریب تحمل شون از فشارها هم بالا رفته جنگ را تحمل کردند مشکلات اقتصادی را در دوره پاکسازی تحمل کردند در برابر توطئه فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی و دینی مقاومت کردند در برابر مشکلاتی که از ناحیه تحریم متوجهشان شد مقاومت کردند و این قدرت مقاومت در میدان‌های متعدد که همراه با یک نگاه روشن به پدیده‌های پیرامونی‌شان بود به نظر من از دستاوردهای بزرگ انقلاب است. چون هر کسی هر مجموعه‌ای با وجود همه داشته‌هایش اگر نتواند پایداری کند نتواند پای داشته‌هایش بایستد نتواند پای شعارها و مواضعش بایستد او به رغم همه تیزهوشی‌ها و فهمش سقوط خواهد کرد کسی که پرچم سفید تسلیم را بالا بگیرد. هیچگاه نمی‌تواند سخنش را تعقیب کند. موضع اش را استوار بسازد. دشمنان نمی‌دانستند که با توطئه‌های متعددی که علیه نظام جمهوری اسلامی کردند برای ما یک ارمغان بزرگ به همراه آوردند و آن بالا رفتن میزان و توان مقاومت ملی در برابر توطئه‌ها بود. این گونه نیست که با یک نسیم بلکه یک طوفان بشود ملت را از جا کند. اینطور نمی‌شود که با یک توطئه بین‌المللی ما دست به تسلیم و خاص ذلت را به سمت بیگانگان دراز بکنیم و این به نظر من به اصطلاح دستاورد ارزشمندی است. رشد علمی و توسعه پژوهش‌ها در سطح کشور ما با چهل سال تجربه حکومت داری و چهل سال تجربه برای تولید محصولات در داخل و تأمین نیازهای داخلی بحمدالله آلان از نظر نیاز علمی و از نظر پژوهش در نقطه‌ای هستیم که روند پیش رفت

دانش مون بسیار گسترش پیدا کرده در آغاز پیروزی انقلاب عدد دانشجویان ما که به ۲۰۰ نمی رسید آلان ما در شمارگانی نزدیک به ۴۰۰۰۰۰۰ دانشجوی و شاغل به تحصیل در کشور هستند و این نشان می دهد کشور ما از نظر علمی از نظر فهم و درک دانشی در جایگاه بسیار بسیار پیشرفته ای قرار گرفته است و آنقدر در این نظام فرصت برای آموزش فرصت برای پژوهش دیده شد که با توجه به کندی رشد جمعیت آلان مراکز بسیار زیادی داریم که صندلی هاش برای دانشجویان آماده است اما دانشجویی که سنش به سن دانشجو برسد وجود ندارد خود این نشانگر این است که نظام چقدر به استقبال دانش رفته است. نظامی که طالب آگاهی مردم هست و از آگاهی نمی ترسد نظام استواری است نظام ماندگاری است نظامی که بر پایه دانش رشد می کند نظام استوار و پایداری است ما وقتی جریان مسیحیت را مطالعه می کنیم در یک پیچ تاریخی بسیار بسیار حساس مسیحیت که خود برای توسعه کالجها و دانشگاههای خود تلاش کرده نتوانسته در برابر دستاوردهای دانشی بایستد اما شما در این کشور می بینید در طول این چهل سال دائماً رهبران انقلاب و مدیران کشور در به اصطلاح بوق و توسعه دانش و توسعه پژوهش و توجه به فناوریهای علمی و فناورانه تلاش می کنند و به اصطلاح این شعار توسعه دانش و توسعه پژوهش را شعار اصلی خودشان قرار می دهند نظامی که از آگاهی مردمش نترسد نظامی که از دانش ورزی مردمش نترسد نظامی که برای پژوهشهای مردمش سرمایه گذاری بکند حتماً این نظام وسعتی دارد که در این وسعت می تواند بسیاری از تحولات را تحمل بکند. اداره مردمی که جاهل اند اداره مردمی که نمی دانند و چشمشان به مدیرانشان است و حسب فرموده عمل می کنند کار سختی نیست اداره مردمی که همه فرهیخته هستند مهم است.

و جالب این است که خود نظام برای فرهیختگی مردمش داره تلاش می کند این بیانگر ظرفیتی است که انقلاب برای مدیریت این مردم و مدیریت تحولات علمی و پژوهشی دارد. به نظر بنده از جمله ابعادی که باید بهش توجه بشود مسأله محرومیت زدایی است ما در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب شاید جزء اصلی ترین برنامه هایی که در نظام مقدس جمهوری اسلامی برایش تلاش شده است این بوده که گرد محرومیت از کشور برداشته بشود تلاش شده است تا امکانات علی السویه در کشور توزیع بشود برای کس که در روستا زندگی می کند تا جایی ممکن است امکانات فراهم بشود برای کسی که در شهرهای کوچک هستند امکانات فراهم بشود این گونه نشود که بچه روستا بچه شهر بچه های محروم مثلاً راه به دانشگاه نداشته باشد دبیرستان نداشته باشد این گونه نشود که امکانات پایه مثل امکانات ارتباطی راهها بهداشت درمان و مسائلی از این دست را که لوازم یک زندگی مناسب

هست را نداشته باشند من در سال‌های اول انقلاب حدود ۶۳ و اینها مسئولیت جهاد سازندگی را در یک شهر داشتم که شهر بزرگی است نسبتاً روستاهای خیلی زیادی داشت آن وقت حدود ۷۰۰ روستا داشت.

بعدها بخش‌ها جدا شد اما آن وقت ۷۰۰ روستا داشت مثلاً در بین این ۷۰۰ روستا دوازده روستا فقط برق داشت دو سه روستا فقط آب داشت آب مشروب داشت. بسیاری‌شان دبیرستان نداشت بچه تا حد ابتدایی درس می‌خواندند به زور تا حد راهنمایی در بعضی‌ها ش بود الباقی‌شان در مرکز بخش برای تحصیل می‌رفتند.

خب نظام مقدس جمهوری اسلامی آمد و این همه فرصت را ایجاد کرد و باز یک شعار و یا یک فرهنگ را در این نظام ایجاد کرد و اون این است که خدمت به محرومین جزء افتخار نظام است به گونه‌ای که اگر بخواهند کسی را دولتی را دستگاه اجرایی را تنقیصی بکنند این است که چرا در برنامه‌ها فکری برای محرومین نکردید. چون برنامه‌های توسعه معمولاً همراه است با نادیده گرفتن طبقات محروم باید از برخی از ناکامی‌ها استقبال کرد برای اینکه توسعه رغم بخورد خب در جمهوری اسلامی را در این ۴۰ سال نشان دادن که تمام توجه مردم و نظام بر این است که بتواند جمعی بکند بین توسعه و بین رسیدگی به طبقه محروم و مناطق محروم حتی اگر شده از طریق تکافل اجتماعی کمیته امداد بهزیستی فکری بکند که در فرآیند توسعه گروهی از مردم له نشوند و همیشه نگران هست که بین دردهای مختلف نسبت به چه اندازه است آیا این‌ها از هم فاصله می‌گیرند. یا کم، این که این تبدیل به یک ارزش شده است ارزشی که در نظام مقدس جمهوری اسلامی بهش توجه شده. به نظر من دستاورد بزرگی است یعنی توجه به محرومین و محرومیت زدایی بله دنیا برای اینکه ملت ایران از داشته‌هاش محروم بکند ظرفیت‌هاشو را نتواند آنچنان که باید در بازار کار و در بازار سرمایه جهانی به جریان بیاندازد حتی مراقبت از اینکه یک دلار ما در بیرون نقد نشود و در اختیارمان قرار نگیرد خیلی سرمایه گذاری کرده‌اند دشمن سعی کرده جلوی پیشرفت ما را بگیرد و جالب هم این است که هم خودش جلوی پیشرفت مردم را گرفته و هم در کنارش به مردم گفتند شما بابت اینکه پیشرفت‌تان کند است اعتراض کنید این از بازی‌های جریان استکبار است که با مرد فهیم و هوشمند ما می‌کند اینها مردم ایران را نشناختند تحقیر شخصیت ملی ما که ما به کسی که می‌دانیم او عامل به هم ریختگی اقتصاد ما و به هم ریختگی زندگی ماست به توصیه‌هاش هم گوش بدهیم و توصیه‌هاش هم از این قبیل باشد که شما به نظامی که دارد شما را عزتتون را موقعیتتان را و جایگاهتان را در دنیا اعتلا می‌بخشد پشت کند تا من مثلاً یک ذره فرصت‌های مالی را در اختیارتان بگذارم اینها مردم ایران را هم نشناختند و خدا را سپاس که

دشمنان را از میان احمق‌ها آفریده به تعبیر امام سجاد (ع) آن هم مردم تیز هوش ایران که می‌دانند دشمنش کیه و دوستش کیه به نظر من مسأله محرومیت زدایی و اینکه این شعار محرومیت زدایی و علم حمایت از مردم به عنوان یک شعار اصلی است و هنوز هم که هنوز است پیشرفت‌های غیر متعارف به عنوان یک نقص بر مدیران و مسئولین و وابستگان به مدیران قلمداد می‌شود از جمله دستاوردهای فرهنگی و اقتصادی نظام عزیز جمهوری اسلامی است. به نظر بنده در این بخش که سؤال اول را باهش پایان می‌دهم حضور تأثیر گذار و متنی ما در جامعه جهانی است ما یک زمان میدان بازی قدرت‌ها بودیم آمریکا شوروی انگلیس می‌اند در ایران بدون اجازه دولت تصمیم می‌گیرند بنا بر این دنیا را بین خودشان تقسیم می‌کنند ایران را تقسیم می‌کنند، شاه ایران را هم تبعیدش می‌کنند.

ما کجا بودیم و حالا کجا هستیم دروازه‌های دنیا به روی ما باز شده حضور متنی داریم استعمار ما را باعث به هم ریختن تمام نقشه هاش در منطقه، دیدن اراده‌های استکبار جهانی ارده‌های دشمن سعادت مردم این منطقه نه در عراق محقق شد نه در بحرین محقق شد نه در سوریه محقق شد نه در یمن محقق می‌شود نه در افغانستان محقق می‌شود این به دلیل حضور تأثیر گذار ماست ما امروز بازیگر صحنه بین المللی شده‌ایم حداقل بازیگر صحنه منطقه‌ای شده‌ایم و این حد از نظام جمهوری اسلامی حدی است که دشمن را به لرزه در آوردند دوست از ما نمی‌ترسد دوست به امید بسته است دشمن است که به ما می‌گوید که شما چرا اینجا هستید دشمن است که از امنیت ما می‌ترسد از قدرت باز دارندگی ما به وسیله موشک می‌ترسد اسرائیل است که با در یوزگی تمام خواهش می‌کند جلوی از این و اون که جلوی توسعه قدرت جمهوری اسلامی را بگیرد.

اسرائیل است که همین حماس کوچک را دستاورد انقلاب اسلامی می‌داند همین حزب الله لبنان را دستاورد جمهوری اسلامی می‌داند حزب الله یمن را دستاورد جمهوری اسلامی می‌داند و اینها را جریانی می‌شمارد که همه بازی‌های آنها را زمین زده است ما شعار کونوا لظالم خصما و للمظلوم عوناً را بلند کرده‌ایم لا تظلمون ولا تظلمون را شعارش را بدست گرفته‌ایم نه ستم می‌کنیم نه می‌پذیریم بهمون ستم بشود فریاد مسلمان را در هر جای دنیا پشتش قرار می‌گیریم که با افتخار هم پشتش قرار می‌گیریم چون پیامبر ما فرمود اگر کسی فریاد مظلومیت مسلمانی را شنید و جوابش را نداد فلیس بمسلم بلکه بالاتر در اون عبارت ایشون هر مظلومی که صدای بزند و مسلمانی را به یاری بخواهد و کسی یاریش نکند مسلمان نیست ما الحمد لله در این نقطه قرار داریم و وحشت دشمن امروز با

فریادهای بلندترش دارد به گوش می‌رسد دشمن چون نمی‌تواند کاری بکند فریادش را بلند کرده است همچون انسان ضعیفی که چون کاری از دستش بر نمی‌آید فریاد می‌زند.

و خدا را سپاس که از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی باید این را عرض کنم که منطق و برهان مکتب اهل بیت و در دنیا دارد نشان می‌دهد قدرت منطق مکتب اهل بیت را قدرت، قدرت نرم‌افزاری مکتب اهل بیت دارد را در دنیا نشان می‌دهد چه چیزی بهتر از این برای تعریف مکتب اهل بیت ایران امروز جریانی هست که به‌رغم اینکه دشمن ازش می‌ترسد و باید هم بترسد ازش عصبانی است و باید هم عصبانی بشود علیهش هجمانه می‌نویسد هجمانه تولید می‌کند علیهش به اصطلاح تحقیر می‌کند و باید هم بکند و الا ما ایران نبودیم اگر دشمن با دشمنی نمی‌کرد که ما ایران امروز نبودیم ما هر چه بزرگ‌تر می‌شویم قاعدتاً باید منتظر فریادهای بیشتر و ناله‌های بیشتر دشمن باشیم و توطئه‌ها که انشاءالله مردم ما با قدرت است که از همه این‌ها عبور خواهد کرد به هر حال می‌خواستم این را عرض کنم که دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی بسیار بسیار زیاد بوده است. چهل سال است که ما با افتخار داریم مسیر را پیش می‌بریم و آلان در یک نقطه از بلوغ رسیده‌ایم که با تلاش اندک دشمن و فریادهای ضعیف دشمن دیگه به اصطلاح امیدی برای آنها نیست این راه بازگشت داشته باشد ما در مسیری افتادیم که چاره‌ای جزء تحمل ما و به قله رسیدن ما برایشون وجود نخواهد داشت و همیشه به اصطلاح اقتدار از یک نقطه‌ای این چینی شروع می‌شود عرض کردم مهم این است که ما درست حرکت کرده‌ایم و مردم پشت سر این جریان درست مانده باشد.

سؤال دوم: چه آسیب‌ها و آفت‌هایی متوجه انقلاب اسلامی است؟

اول

به نظر من در سه ناحیه ممکن است لطمه ببینیم. ناحیه اول پشیمانی و بازگشت، در رابطه با ادیان هم اتفاق افتاده است یعنی یک ارتداد بزرگ بازگشت به عقب یکی از مسائلی که معمولاً برای انقلاب و انقلابی یون پیش می‌آید این است که در راه تداوم انقلاب اراده گذشته با همان نشاط شادابی ادامه پیدا نکند بلکه متناسب با سالهای پیشرفت پیچیده نشود این حرکت انقلابی پیچیده نشود. ما هر چه جلوتر می‌رویم باید عرصه‌های حضور انقلاب و عرصه‌های انقلابی گریمون تثبیت بیشتری پیدا کند. ما هر چه جلوتر می‌رویم باید ابعاد استقرار نظام جمهوری

اسلامی را تعقیب بهتر و بیشتری بکنیم اما هستند کسانی که وسط راه خسته بشوند، خستگان و کسانی که ظرفیتشان برای ادامه راه و انرژی‌شان برای ادامه راه تا انتها نباشد. این‌ها به طور طبیعی ممکن است در وسط راه هم خودشان خسته بشوند انقلابی یون خسته و وامونده و هم انقلاب را از جوشش بیاندازند این را باید بسیار بسیار جدی گرفت که به نظر من بخشیش منوط به این است که دائماً جریان جوانان انقلاب وارد انقلاب بشود و آن جوشش و آن خروش و ظرفیت خودش را به میدان بیاورد و دائماً حرکت رو به جلو را ما به وسیله جوانان روشن بینمان و با انگیزه مون و با اراده مون تعقیب کنیم.

دوم

عامل دوم و آسیب دومی که می‌تواند انقلاب را بهم بریزد مسأله اختلاف است. اختلاف یک وقت معنای به اصطلاح ساده‌ای بهش می‌دهند که مثلاً کسی نظرات متفاوت نداشته باشند نه این نظرات نظام‌های دیکتاتوری نظام‌های جاهلانه است که تحمل وجود به اصطلاح تعدد نظر داده نمی‌شود یک جامعه فرهیخته حتماً تنوع نظر دارد نمی‌توانیم به جامعه بگیم شما پیشرفت بکنید و ما مدار پیشرفت کشور را بر توسعه نیروی انسانی گذاشتیم بعد بگیم نیروی انسانی تو اندیشه ورزی نکن در باره امور سلم محض باش نه ابداً اینطور نیست حتماً باید در جامعه اختلاف نظر باشد جامعه اختلاف نظر باید داشته باشد اما این اختلافات باید در نظام مدیریت بشود به گونه‌ای که برآیند اون موجب رشد بشود اما اختلاف مستقر حل نشود و در ذیل نظام به سامان نرسد اینان اون چیزی است که به نظام به اصطلاح دره هولناک سقوط نزدیک خواهد کرد پس مراد ما از اینکه اختلاف نشود از یک برداشت ساده و بسیط نیست که شما اظهار نظر نکنید چرا نشود باید اظهار نظر بشود اختلاف امتی رحمه یکیش همین است یعنی داشتن اقوال مختلف ضروب مختلف و اشکال مختلف اندیشه‌هاست که زمینه‌های رشد را فراهم می‌کند اگر در جامعه‌ای تکثر و تنوع انذار و نگاه‌های کارشناسی نباشد آن جامعه هیچ وقت رشد نمی‌کند یا رشدش رشد بسیار محدودی خواهد شد یا رشدش رشد پایداری نخواهد بود. نه حتماً باید اختلاف نظر باشد اما اختلاف نظر نباید مستقر بشود باید تدبیر بشود که ذیل نگاه کارشناسان اصلی و رهبری نظام اینها تبدیل به جوشش و رشد و خیزش بشود و طراوت به جامعه بدهد پس ما نگران اختلاف‌های مستقریم، این اختلاف‌های مستقر و پایدار ناشی از این است که بر خی انگیزه‌ها شون تغییر می‌کند اون‌ی که به نظر می‌رسد آسیب بزرگ این

است که برخی از انگیزه‌ها اسلامی شون را از دست می‌دهند برخی از انگیزه‌های ملی شون را از دست می‌دهند برخی انگیزه‌های انقلابی شون را از دست می‌دهند.

برخی دنبال دنیا به معنای چیدن فرصت‌ها برای خودشان و خانواده‌شان و وابستگان‌شون میرند این حس و حال موجب می‌شود که بین جریانی که، جریان اصیل انقلاب است انقلاب ما یعنی جریانی که حضرت امام فرمود این نسل باید فدوی انقلاب بشود فدای انقلاب بشود نسلی که انقلاب را کرد سال دهه ۵۰ دهه ۶۰ امام فرمود شما باید فدای انقلاب بشوید همه وجودتان باید خرج انقلاب بشود و خیلی از تربیت شدگان نسل ۵۰ و ۶۰ بناشون بر همین شد که خودشان را خرج این راه بکنند حالا جلوتر که بیایم یواش یواش بوی قدرت بوی فرصت بعد هم از خود مون به نسل مون به فرزندان مون ممکن است برخی‌ها را دچار تردید بکند، سهم خواهی از انقلاب، سهم خواهی از تلاش‌ها در راه طی شده اینها باعث می‌شود که خدایی نخواستہ انقلاب دچار یک اختلاف پایدار بشود و ما آنجا سقوط می‌کنیم. اونجا ضعیف می‌شویم منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الاخره در باب یکی از جنگ‌هاست که ما در آن جنگ در واقع جنگ احد که شکست خوردیم گروهی رفتند دنبال غنیمت باز غنیمتی چینی کنند بعضی هاشون ما واقعاً مبارز بودن توی این حالت دشمن فرصت پیدا می‌کند تا ما را زمین بزند من تصورم این است که این آسیب اختلاف، آسیب بسیار جدی است اگر مستقر بشود قرآن می‌فرماید و لا تنازعوا و تفسلوا و تذهب ریحکم اختلاف منجر به نزاع دو طرف با هم می‌شود. ببینید ما در بهشت انقلابیم از داستان آدم و حوا مدد بگیریم آدم و حوا یک مشکلی برایشون پیش آمد. اون مشکل چی بود، طمع کردن، طمع برای ملک دائم، طمع برای فرصت دائم، حریص شدن به درخت ممنوعه، نزدیک شدن تمام آن بهشت را با نعمت هاش از دست دادند عیب شون همه بر خودشون معلوم شد این که سوعاتشون یعنی عوراتشون معلوم شد معنی‌اش این بود که لباس تقوا از تنشان کنده شد و انسانی که لباس تقوا از تنش کنده بشود انسان بی تقوا عیب دیگران را می‌بیند عیب یکدیگر را می‌بیند. دیگه محاسنی هم نیست به تعبیر سوره اعراف می‌فرماید انزلنا الیکم لباسا یواری سوعاتکم و ریشی من به شما یک لباسی دادم که زینت شما و هم عیب هاتون را می‌پوشاند و لباس التقوی ذلکم خیر لباس تقوی از این مهمتر، در پوشیدن عیب‌ها و در مزین کردن شما وقتی یک گروه به سمت دنیا بروند رفتن به سمت دنیا و یا همون به سمت دنیا برویم رفتن به سمت دنیا همان و تلاش برای دیدن عیب هم دیگر هم همان زیبای‌های هم را هم نمی‌بینیم اختلاف از اینجاست عادت می‌کنیم به مچ گیری از همدیگر، یکی از آسیب‌های

بزرگ و خطر ناک و یکی دیگه از آسیب‌هایی که در همین جا باید بهش توجه کرد مسأله نفوذ است. نفوذ یعنی اینکه یک جریانی از به قدرت رسیدن ما بخواهد بقدرت برسد یعنی ما که یک جریان مثلاً به قدرت رسیده هستیم. او بیاید با ادبیات ما برای خودش یک باب جدید قدرت باز کند نفاق با بیدار دلی در این بستر ایجاد می‌شود اینها می‌ایند شعارهای انقلابی می‌دهند، شعارهای مذهبی می‌دهند بهتر از ما گاهی شعار می‌دهند تندتر از ما گاهی شعار می‌دهند حتی در میدان‌های مجاهدت همراهی ما را می‌کنند اما نفوذ دیند حوزه مادر انقلاب است برای نفوذ درحوزه هم برنامه ریزی می‌کنند نامادری را به جای مادر بنشانند و بعد به وسیله رفتار به ظاهر مادرانه مسیر انقلاب را کج کنند چقدر حضرت امام در وصیت نامه اشان دقیق فرمودند که نگذارید این انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان قرار بگیرد، نا محرم می‌آید یواش یواش می‌شود محرم و نا اهل می‌شود اهل و بعد بر سر انقلاب آنچه را می‌آورد که می‌آورد.

سوم

مسأله سوم به عنوان آسیب عرض می‌کنم مسأله سوء تدبیر، مسأله بزرگی است سوء تدبیر ما ممکن است سازمان هامون را مدلهای فعالیت‌ها و برنامه‌ها مون را طوری طراحی بکنیم که برای پیش آمدها تصمیمات باتوجه به عواقبش صورت نگیرد مثلاً انسان خشمگین می‌شود تو خشمشش تصمیم می‌گیرد شیفته می‌شود تو شیفتگی‌اش تصمیم می‌گیرد. سوء تدبیر یعنی این یعنی دبر کار پشت کار را ندیدند پیش بینی نکردند آآن خشمگینم وارد جنگ می‌شوند آآن خیلی شیفتهم هر چه دارم خرج کسی می‌کنم تعهدات بی شمار بسپارم این سوء تدبیر است آدم‌های ضعیف را به خاطر اینکه دوستشان دارم بیارم سر کار آدم‌های قوی را به خاطر اینکه از من انتقادی می‌کنند بذارم کنار فرصت‌ها را ازشون بگیرم افراد توانا را به حاشیه بسپارم افراد ناتوان را در متن امور قرار بدهم.

ساز و کارهای حل مسائل طولانی بشود بعد از اینکه مردم آسیب می‌بینند مشکلشان حل بشود قدرت اینکه پیش از توجه به مشکل برای امورشان وحل مشکلاتشان تدبیر بکنند صورت نگیرد شما دارید می‌بنید یک سونامی دارد می‌آید به ساحل لطمه بزند خب می‌دانید براساس هواشناسی که بنا است این سونامی فردا بیاید خب آنجا را باید تخلیه کنید. نه اینکه بذارید سونامی بیاید کلی مردم را بکشد خانه‌ها را خراب بکند و بعد بگویید من به سرعت دستگاه نظامی را دستگاه خدماتی مو را برای نجات آوارگان و نجات و کشاندن اجساد به بیرون افراد این سوء تدبیر است.

اونی که خیلی مهم است، حسن تدبیر است ما آلان یک نظامیم و نظام باید کاملاً حسن تدبیر داشته باشد برای حل مسائل ببینید در همین سال اخیر که خروج برجام مطرح شد هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده بود دست پاچگی در کشور ایجاد شد و ظاهراً در بخش مالی و پولی کشور تصمیمات عجولانه‌ای گرفتند دلارو طلا را سر ریز جامعه کردند بدون اینکه برای برگشت اینها تدبیری بشود. چقدر ملت آسیب دید چقدر پول ملی زمین خورد آلان که بر جام تمام شده است و آمریکا کاملاً خارج شده‌اند و زمان رسمی تحریم‌ها شده است ما چون همدل شده‌ایم چون پخته شده‌ایم چون آرام شدیم چون توانستیم خوب با دنیا گفتگو بکنیم و دلاری که در هرج و مرج تا ۱۸ هزار تومان رسید آلان به ۱۰ هزار تومان و پایین‌تر برسد آلان که تحریم دارد اجرا می‌شود ما توانستیم تصمیمات بسیار خوب بگیریم و داریم کنترل می‌کنیم فشار هست اما قابل کنترل است اما آنجا که ترسیدیم و دست پاچه شدیم دور اندیشی نکردیم کشور را هنوز هیچی نشده دلارش را کردیم ۱۸ هزار تومان نقدینگی را بالا بردیم مردم را ترساندیم و هر کس در خانه خودش یک بانک تشکیل داد هر کس برای خودش سعی کرد که یک احتکار خانه مثلاً آماده بکند حس می‌کردند دارد قحطی آید در کشور مثلاً اینها حسن تدبیر است یا سوء تدبیر است اینها را باید خیلی مراقب بود گاهی در همین دو سه تا پیچ اجتماعی تند یک خطر بزرگی، من یادم همان وقت‌ها استکبار شروع کرد به اینکه چهل سالگی را نخواهید دید. بعضی‌ها هم می‌آمدند در خلوت سؤال می‌کردند واقعاً ما ۴۰ سالگی را خواهیم دید مردم را نمی‌شناختند یک سوء تدبیر کوچک چقدر تردید ایجاد کرده بود به مدد توطئه دشمن آتش تهیه دشمن که می‌ریخت به نظر من سه تا مشکل اصلی است یکی بازگشت مردم از مکتب پر افتخار اسلام و اهل بیت و انقلاب ارتداد و خسته شدن جریان دینی دوم مسأله اختلاف و مراقبت نکردن در این شکاف که نفوذی‌ها وارد خواهند شد یکی به نام جریان اصلاح طلب یکی به نام جریان اصول گرا در هر دو تا نفوذ می‌کنند و در هر دو تا ببینید تو همان اختلافات سال‌های اول انقلاب کسانی توانستند خودشان را به شهید بهشتی نزدیک کنند و بعد قاتل شهید بهشتی شدند به عنوان کسی که نزدیک‌ترین عنصر به شهید بهشتی بود نفوذی جریان منافقین خلق یا نزدیک‌ترین آدم به رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور خودش قاتل این بزرگواران شد نفوذ فقط در جریان مثلاً خاصی نیست که یک قدری از جریان متدین فاصله گرفته باشد در هر دو تا اتفاق می‌افتد خود بنده اگر همین دستگاهی که هستم به اختلافات دامن بزنم افرادی می‌آیند وصل می‌شوند به من که بعد بخواهند قدرت بدست بیارند نفوذ می‌کنند نگاه می‌کنند من به چه چیزی علاقه دارم از کی بدم می‌آید از کی خوشم می‌آید با شعار کسانی که ازش بدم می‌آید و تقبیح آنها خودش را به من نزدیک خواهد کرد این خیلی طبیعی است انقلاب همین

است خیلی باید از این جهت مراقب بود و تیز هوش بود تیز بین بود تعبیری دارد حضرت عیسی (ع) به حواریونش می‌فرماید چون مار هوشیار و چون کبوتر ساده باشید ساده باشیم امام تیزی ما را داشته باشیم، مراقب باشیم هوشیار باشیم اینها همه آسیب خواهد زد به انقلاب.

سؤال سوم: نقش طلاب، خصوصاً طلاب خواهر در پیشبرد آرمان‌های انقلاب چیست؟

خب یک سؤال سومی هم شده نقش طلاب در پیشبرد آرمان‌های انقلاب ببینید من فکر می‌کنم حداقل می‌توان چهار نقش را برای حوزات خواهران خدمتتون عرض کنم مهمترین مسأله در اینجا مسأله و جه مردمی است انقلاب به مردم نیاز دارد ما بدون مردم هیچی هستیم این به آن معنا نیست که خدا در حاشیه است خدا تأییدش را یدالله مع الجماعه اینکه ما می‌گیم بدون قرآن هیچی نه اینکه قرآن راهنمای ما نیست قرآن راهنمای ما هست اما راهنمای من فردی با راهنمای من اجتماعی، جامعه بوسیله قرآن باید راهبری شود این شعار که ما هر چه داریم از مدرم داریم حرف درستی تحقیر اسلامیت ما نیست ما به مثابه یک نظام ارتزاقمون از حمایت مردم است خداوند مردم را برای ما به عنوان نعمت قرار داده هو الذی ایدک به نصره و بالمؤمنین پیغمبر خداوند تو را تأیید کرد با یاری خودش و بوسیله مؤمنین نه اینکه اینها دوئیت دارند خداست که مردم را و اگر ما می‌خواهیم بفهمیم که تأیید خدا با ماست یا نه باید ببینیم مردم را نگه داشتیم با خودمون یا نه خیلی به نظر من مهم است ما باید تا جایی که می‌توانیم گستره دل‌های همراه با انقلاب را بیشتر و بیشتر بکنیم بد و خوب نکنیم کم ایمان و با ایمان نکنیم شاقول‌های نا درست را کنار بگذاریم. بعد آرام آرام بسازیم مثل دستگاه امام حسین تو دستگاه امام حسین فقط مثلاً خوبان و نیکان اوحدی از افراد وارد می‌شوند امام حسین همه را وارد می‌کند بعد می‌سازد انقلاب هم همینطور.

حوزات علمیه خواهران باید بتوانند زنان را و زنان بتوانند فرزندان و نسل‌های آینده و شوهرانشان را پشت سر انقلاب نگه دارند مردم باید دل‌داده انقلاب شون باشند حوزه خواهران باید در این زمینه تلاش جدی به عمل بیاورد.

نکته دوم: بحث وجه دینی است این هم خیلی روشن است، کار کرد دوم حوزه علمیه خواهران معلوم است ما از دین داریم از پایگاه دین داریم مسأله انقلاب را تعقیب می‌کنیم حوزه باید بتواند حوزه خواهران باید به خوبی اراده‌های دین را درباره یک نظام، نظام مقدس که حکومت را بدست دارد بشناسد و عامل قدرت این حکومت را

که دین هست در مردمش شاداب همراه با بیشترین اطلاع و آگاهی سامان بدهد این اتفاق حتماً باید در حوزه علمیه بایفتد و در این بخش جلوگیری از شبهه افکنی فرهنگی است مردم خیلی از چیزها را می‌دانند الحمد الله رب العالمین وحدت نظام جمهوری اسلامی به وحدت تلاش‌هایی که حوزویان کردند دانشگاه‌ها کردند. متدینین انجام داد آموزش و پرورش صدا و سیما انجام دادند این جهات اثباتی را باید دید بعضی‌ها صرفاً جنبه‌های منفی را می‌بینند در این ۴۰ سال خیلی از دستگاه‌های مختلف و شبکه‌های مختلف برای امر دین تلاش کردند اونی که مهم پاسخ به شبهه است شبهه می‌آید و مثل خوره ساختمان بسیار با عظمتی را مثل موریانه شروع می‌کند به ریشه کنی‌اش، ریشه‌هایش را می‌خورد حوزه باید مراقب باشد. حوزه باید برای شبهات فکر بکند. حوزه باید تهاجم فرهنگی که در قالب هنری و در قالب سبک‌های زندگی تجارت تجمل طلبی و امثال آن دارد وارد می‌شود برای همه اینها فکر بکند و برای همه اینها پاسخ داشته باشد حوزه خواهران باید خودش را در این مستوا مسئول بداند. سومین وظیفه به نظر من این است که باید روحیه اسلامی انقلابی را در ایران نهادینه کرد این مطلب به نظرم خیلی مطلب مهمی است روش دارید چگونه می‌توانیم یک ارزش را تبدیل به یک نهاد بکنیم ما دهها ارزش انقلابی داریم ارزش دینی داریم ارزش مناسبی داریم. که اینها باید تبدیل به سبک بشوند و زندگی را براساس آن باید شکل داد اینها روش دارد ما چگونه پاکدامنی را در جامعه گسترش بدهیم چگونه عقلانیت را در جامعه گسترش بدهیم و ماندگار کنیم چگونه عاطفه ورزی را در جامعه گسترش بدهیم چه مدلی از خانواده داشته باشیم که این مدل خانوایی بتواند در عین حال ارزش‌های انقلابی را برای ما نگه دارد و در خانه نگاه اجتماعی نگاه سیاسی، موج بزند چگونه حساسیت‌های سیاسی را در مردم مون نسبت به دشمن و دشمن شناسی تقویت کنیم چگونه بصیرت افزایی کنیم چگونه قدرت مقاومت را در برابر دشمن بالا ببریم اینها هم روش دارد صرفاً توصیه کافی نیست صرف اعلام خطر کافی نیست روش می‌خواهد روش نهادینه سازی این مسئولیت بزرگ پرورش حوزه‌های و دانشگاه‌هاست و در حوزه دین مسئولیتش به خصوص به عهده حوزات علمیه است.

خب، قطعاً ما در حوزه علمیه خواهران وظیفه‌مان این است که این روحیت را در بخش مربوط به خانم‌ها و جاهایی که خانم‌ها تأثیر گذار هستند توسعه بدهیم و در این جهت تلاش کنیم و یکی از مسائل مهم و یا آخرین موارد که من بهش اشاره بکنم. جلوگیری از شکل‌گیری موانع پیشرفت انقلاب است و انقلاب همچنان یک جریان رو به جلو است می‌تواند بوسیله بعضی از این دست‌اندازها جریان عکس بشود. برای این هم به نظر می‌رسد

باید فکر کرد ببینید دو تا اتفاق هم می افتد یک اتفاق اختلافات مذهبی یعنی ما بوسیله ورود به مسائل اختلافی در حوزه مذهب مثلاً شیعه و سنی فقه بندی‌ها حساسیت‌های بی جا به اصطلاح وارد شدن به یک سری بازی‌های فرقه‌ای که مثل غلو، غلو در مذهب توهین به محترمان دیگر فرق اسلامی و امثالهم این‌ها را اسباب بکنیم برای اینکه انقلاب از زایشش و از گسترهاش حتی از جریان‌های غیر اهل بیتی انقلاب فاصله بگیرند این را به نظر باید خیلی مراقبت کرد ما نباید دامن بزیم به اختلافات مذهبی و باید جلوی کسانی که این جریان‌ها را دامن می زند بگیریم و مسأله مهم‌تر و آخری که در این جهت به نظر ما باید به عنوان مانع بزرگ طرح کرد بازگشت به جهالت، جهالت نه اینکه مردم مسائلی را نمی‌دانند نه اما جدی نمی‌گیرند جاهل کسی است که از دانسته هاش عبور می‌کند می‌داند این کار بد است مثلاً غیبت بد ولی غیبت می‌کند تهمت بده تهمت می‌زند این را می‌گند رفتار جاهلانه اگر مردم بر گردند به دوره جاهلیت اگر مردم به جای اینکه فرض فرمایند انقلاب را به جای هم‌شان باشد و پیشرفت انقلاب پیشرفت خود را به جایش بنشانند خواست خودشان را بخواهند حاکم بکنند و راحت خودشان از به اصطلاح انقلاب برائت انقلابی بشمارند و قرائت‌های دیگر را قرائت انقلابی بدانند اینها اسبابی است که ما را بر می‌گرداند حوزه باید خیلی مراقب این جهت باشد همیشه تعریف رفتار انقلابی منش انقلابی سبک زندگی انقلابی این را حوزه باید برایش برنامه داشته باشد خودش را بر کنار نداند در این زمینه‌ها باید حساس باشد حساس عمل بکند و هوشمندانه و نکته سنجانه مسائل مربوط به انقلاب را تعقیب بکنند در این وسط هم مراقب باشد که گرفتار موضع گیری‌هایی که آور ا در خانواده انقلاب در یک طرف قرار بگیرد در یک باشگاه از افراد انقلاب قرار بگیرد و قدرت گفتگو و مفاهمه با جریان‌های دیگر را نداشته باشد کاملاً بر حذر باشد از این جهت قدرت تأثیر گذاری حوزات خواهران را بالا می‌برد ما به رغم اینکه گاهی نظرم مخالف برخی از دیدگاه‌هاست باید اون بر باری و آن تو داری را و اون خود کنترلی را داشته باشیم که از میدان به در نرویم عصبی نشویم و موضعه ای نگیریم که آن موضع فرصت اصلاح مخاطب را از ما بگیرد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته